

# بهره‌برداری از تمام ظرفیت‌های موجود صنایع غذایی تبدیلی است

شماره:

غذای پس از هوا و آب، ضروری‌ترین نیاز انسان است. جوامع بشری برای تأمین نیازهای غذایی مردم همواره در تلاش و تکاپو هستند. با افزایش جمعیت جهان به ویژه در یک قرن اخیر، دانشمندان درصدد برآمدند که برای تأمین نیازهای غذایی بشر از علم و فن آوری بیشتر بهره‌گیرند. سرمایه‌گذاری برای پیشبرد تولید غذا روزه‌روز افزایش یافت و علم و فن آوری به پیشرفت کمک کرد تا از منابع اقتصادی به نحو مطلوب‌تری برای تأمین نیازهای غذایی استفاده کند.

تأمین امنیت غذایی امروزه به عنوان یکی از اهداف راهبردی دولت‌ها قلمداد می‌شود و پیروی از سیاست‌های اقتصادی خاص برای تأمین امنیت غذایی، دستیابی به خودکفایی و... در (مره فعالیت‌های اصلی دولت‌ها قرار گرفته است. در همین حال برخی کشورها از حربه «غذا» برای وارد آوردن فشارهای سیاسی - اقتصادی به برخی ملل نیز استفاده می‌کنند و به این ترتیب «امنیت غذایی» یک جنبه سیاسی و استقلال سیاسی - اقتصادی برای دولت‌ها قلمداد می‌شود.

در ایران اسلامی، پس از پیروزی انقلاب، راهکارهای ویژه‌ای برای دستیابی به خودکفایی در تولید محصولات غذایی و به عبارتی حفظ «امنیت غذایی» اتخاذ شد. پس از خاتمه جنگ تحمیلی با توجه به افزایش سریع جمعیت کشور، سرمایه‌گذاری برای توسعه بخش کشاورزی و صنایع جانبی آن بهبود یافت. در این مقاله به بررسی موقعیت صنایع غذایی تبدیلی در دو برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور می‌پردازیم و موانع و تنگناها و راهبردهای اتخاذ شده برای غلبه بر مشکلات را از نظر می‌گردانیم.

ضمن بهره‌گیری از ارزش افزوده بالاتر، بهبود کمی و کیفی اشتغال، افزایش درآمد روستاییان و... در نهایت امنیت غذایی جامعه را تأمین کنند.

بدون شک مسئولان نظام به لحاظ آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی برای دستیابی به استقلال همه‌جانبه (سیاسی - اقتصادی) می‌بایست حساسیت لازم برای خودکفایی در تأمین نیازهای غذایی

نیازهای اساسی (گندم، روغن نباتی، برنج، شکر و...) از خارج وارد می‌شود و به عبارتی خودکفایی در تولید مواد غذایی تحصیل نشده است.

با این حال مسئولان و برنامه‌ریزان سعی کرده‌اند با تلاش، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری، بتوانند امکانات خودکفایی نسبی در تأمین غذا را فراهم سازند و با تشویق به ایجاد صنایع تبدیلی

تأمین غذای مصرفی مردم یکی از وظایف اصلی دولت تلقی می‌شود. در حال حاضر با وجود بهره‌گیری فزاینده از علم و فن آوری در بخش کشاورزی و دامپروری و صنایع جانبی آنها، هنوز بسیاری از کشورها با معضل تغذیه مردم روبه‌رو هستند. حتی در کشور ما با وجود برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در سال‌های اخیر، هنوز بخشی از

را داشته باشند، به ویژه آنکه ایران از امکانات خدادادی، منابع طبیعی فراوان، وسعت سرزمین و تنوع آب و هوایی نیز برخوردار است. بنابراین ضرورت دارد که با بهره‌گیری از این نعمت‌ها و اتخاذ سیاست‌های مناسب به رسالتی که در زمینه توسعه بخش کشاورزی - دامپروری و صنایع تبدیلی وجود دارد، پاسخ داده شود.

به نظر کارشناسان بخش کشاورزی، به عنوان تولیدکننده محصولات غذایی و دامی و بخش صنعت به عنوان تأمین‌کننده سخت‌افزاری و گاه نرم‌افزاری

کشاورزی، نه تنها می‌توانند نسبت به تأمین غذای مردم اقدام کنند، بلکه با استفاده از روش‌های مناسب نگهداری، تبدیل و بسته‌بندی محصولات از ضایعات آنها بکاهند و در زمینه صادرات محصولات غذایی و رهایی از اقتصاد تک‌محصولی، گامی بلند بردارند.

بررسی روند تحولات صنایع غذایی تبدیلی ما را به این نقطه هدایت می‌کند که ابتدا موقعیت خود را در پیش از اجرای نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به دقت ارزیابی کنیم.

مروری بر وضعیت صنایع غذایی در سال‌های نخستین پیروزی انقلاب اسلامی، نشان می‌دهد که این صنعت با مشکلات گوناگونی روبه‌رو بوده است. عمده این مشکلات نیز از اجرای پاره‌ای سیاست‌های غلط به ارث رسیده از زمان قبل از انقلاب ناشی شده که در سال‌های بعد نیز تداوم داشته است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با

توجه به عدم اتخاذ سیاست‌های مناسب و روشن، نبود راهبرد توسعه با وجود بیان راهبرد توسعه بخش کشاورزی، به صنایع غذایی تبدیلی آن‌گونه که لازم بود، توجه نشد.

ملی شدن بسیاری از واحدهای موجود صنایع غذایی، تغییر مکرر مدیریت‌ها، نگرش منفی نسبت به توسعه صنایع مصرفی، وقوع جنگ تحمیلی و

در نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به منظور جبران خسارات وارده گذشته و نیز رشد صنایع تبدیلی، توجه ویژه‌ای به این بخش مبذول گردید. در این برنامه به محورهای زیر برای توسعه صنایع غذایی تبدیلی تکیه شد:

□ حرکت در جهت خوداتکایی از لحاظ نیازهای اساسی کشور از طریق تأکید بر صنایع تولیدکننده نیازهای ضروری داخلی و نیز صنایع تولیدکننده ماشین‌آلات و ابزار موردنیاز کشاورزی.

□ تأکید بر ایجاد صنایع

کوچک به منظور ایجاد امکان مشارکت گسترده‌تر مردم در فعالیت‌های صنعتی و افزایش اشتغال.

با اتخاذ این سیاست‌ها، راهبرد ایجاد صنایع سرمایه‌ای مولد و موجد به ویژه صنایع وابسته به کشاورزی و دارای مزیت نسبی مورد توجه قرار گرفت و دولت ضمن اولویت دادن به اتمام چنین طرح‌هایی، نسبت به تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاران در این رشته صنعتی اقداماتی را به عمل آورد.

تأمین به موقع نهاده‌ها، ادوات، ماشین‌آلات، قطعات یدکی و سایر نیازهای مربوط به تولید و تبدیل محصولات کشاورزی با حداکثر استفاده از ماشین‌آلات و امکانات موجود تولید داخلی و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های بخش تعاونی و خصوصی و ایجاد تسهیلات و اتخاذ روش‌های مناسب برای هدایت سرمایه‌های غیرمولد در این بخش مورد تأکید قرار گرفت.

در همین حال دولت با تصویب

**○ در برنامه اول با اتخاذ سیاست‌هایی نظیر حرکت در جهت خودکفایی در تولید نیازهای اساسی و تأکید بر صنایع کوچک برای گسترش مشارکت مردم در فعالیت‌های صنعتی، راهبرد ایجاد صنایع سرمایه‌ای مولد به ویژه صنایع وابسته به کشاورزی و دارای مزیت نسبی مورد توجه قرار گرفت.**

مهاجرت بسیاری از کشاورزان نواحی غرب و جنوب غربی کشور، آسیب بسیاری به رشد صنایع تبدیلی وارد کرد. در همین حال واحدهای کشت و صنعت و شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی‌های تولید نیز از هم پاشید.

با وجود این مشکلات، دولت توانست تا اندازه‌ای بر روند منفی حاصله، اعمال قدرت کند و زمینه را برای سرمایه‌گذاری در بخش صنایع غذایی تبدیلی، بیش از پیش فراهم سازد. علاوه بر مواردی که بیان شد و افت تولیدات فرآورده‌های غذایی به وجود آورد، می‌توان از فرسودگی ماشین‌آلات و عدم جایگزینی آنها، کمبود نیروی انسانی متخصص، عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود، بی‌توجهی نسبت به آموزش نیروی انسانی، کاهش کیفیت تولیدات و بی‌توجهی نسبت به استانداردهای جهانی، کمبود سرمایه و مشکلات بازاریابی و فروش تولیدات صنایع تبدیلی به عنوان تنگنای توسعه این بخش یاد کرد.

برخی تبصره‌ها مانند تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۰ به بانک مرکزی اجازه داد، به منظور تسریع در تکمیل و راه‌اندازی طرح‌های نیمه‌تمام و جدید صنایع تبدیلی کشاورزی ۲۰۰ میلیون دلار از مانده سهمیه ارزی بخش صنعت را در این رابطه ایجاد تعهد کند. این سیاست در سال‌های بعد در قالب تبصره‌های ۵۰ و ۵۲ بودجه سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ نیز ادامه یافت، به طوری که بر اساس آمارهای موجود، حدود ۵۷ درصد از اعتبارات مذکور به این رشته از صنعت اختصاص پیدا کرد.

وزارت صنایع نیز با اتخاذ سیاست جایگزینی واردات در صنایع تبدیلی، سعی بر آن داشت تا خلاء بین محصول و دسترنج کشاورزان و مصرف‌کنندگان را پر کند و پس از آن ضمن تدابیر لازم در مورد بازاریابی این نوع فرآورده‌ها و ارتقاء سطح کمی و کیفی تولیدات، زمینه ورود آنها به بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم سازد. زیرا امکانات و توانمندی‌های داخلی، تنوع آب و هوایی و موقعیت سوق‌الجیشی جغرافیایی ایران، زمینه را برای اتخاذ راهبرد توسعه صادرات در صنایع غذایی تبدیلی فراهم ساخته بود.

به نظر می‌رسد اتخاذ این دو راهبرد به‌طور هم‌زمان، افزایش سهم تولید داخلی از نیازهای مصرفی مردم و صنایع، کاهش نیاز به واردات، افزایش توان صنعتی، آماده کردن واحدهای تولیدی برای صادرات و تولید مازاد بر مصرف داخلی و مقدم بر آنها ایجاد رشد و کارایی اقتصادی را به دنبال خواهد داشت.

بررسی وضعیت تولید محصولات کشاورزی در برنامه اول، نشان می‌دهد که در این دوره زمانی بسیاری از محصولات کشاورزی و دامی تأمین‌کننده مواد اولیه برای صنایع غذایی تبدیلی از رشد

مناسبی برخوردار شدند.

در همین حال وزارت صنایع نیز سیاست‌ها و راهبردهایی را برای تبدیل تولیدات به محصولات غذایی فرآوری شده اتخاذ نمود. البته تلاش‌های انجام شده در این بخش در تمام زمینه‌ها موفقیت‌آمیز نبوده است، زیرا که هنوز بخش قابل توجهی از شکر و روغن نباتی خام مورد نیاز بازار داخلی از خارج تأمین می‌شود.

با این حال آمارهای منتشره از سوی وزارت صنایع نشان می‌دهد که ۹۰۰ واحد صنعتی از ۲۲۰۰ واحد صنعتی راه‌اندازی شده در نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی کشور را صنایع غذایی و تبدیلی کشاورزی تشکیل دادند. این صنایع ۱۹ درصد حجم سرمایه‌گذاری و ۱۶ درصد اشتغال ایجاد شده در بخش صنعتی در برنامه اول را به خود اختصاص دادند.

از سوی دیگر سرمایه‌گذاری‌های انجام شده و افزایش بهره‌وری واحدهای صنایع غذایی تبدیلی موجب شد که تولیدات این زیربخش صنعتی از رشد مناسبی برخوردار شود. بالاترین رشد صنایع تبدیلی در برنامه اول مربوط به واحدهای تولیدکننده افشره (کنساتره میوه) با ۱۷۳۳ درصد (یعنی ۱۷ برابر) و پس از آن خوراک دام و طیور با ۲۹۰ درصد، نوشابه‌های گازدار با ۱۰۰ درصد، فرآورده‌های گوشتی با ۹۴ درصد، روغن نباتی با ۸۷ درصد و قند با ۴۵ درصد رشد قرار داشتند.

بر اساس گزارش وزارت صنایع، ارزش افزوده حاصل از تولیدات صنایع غذایی و تبدیلی در برنامه اول به‌طور متوسط از رشد سالانه ۶/۴ درصد برخوردار بوده و در مجموع حدود ۱۸ درصد ارزش افزوده کل بخش صنعت توسط این زیربخش ایجاد شده است. بررسی وضعیت صنایع غذایی و

تبدیلی کشور در پایان برنامه اول نشان می‌دهد که از ۴۴۰۰ طرح صنعتی با پیشرفت فیزیکی بیش از ۲۰ درصد، حدود ۹۶ طرح (۲۲ درصد) با حجم سرمایه‌گذاری ثابت ۶۵۹ میلیارد ریال (۱۱ درصد) و اشتغال حدود ۲۵۴۰۰ نفر (۱۰/۷ درصد) به صنایع غذایی و تبدیلی کشاورزی اختصاص داشت. در همین حال از مجموع ۲۱۰۰ طرح صنعتی با پیشرفت فیزیکی بیش از ۴۰ درصد، تعداد ۴۹۰ طرح (۲۱ درصد) با حجم سرمایه‌گذاری ثابت ۳۲۲ میلیارد ریال (۲۱ درصد) و اشتغال بالغ بر ۱۳۱۴۰ نفر (۱۷ درصد) به صنایع غذایی و تبدیلی کشاورزی اختصاص داشت.

با توجه به اقدامات انجام شده در سال‌های بعد، بسیاری از طرح‌های این بخش از صنعت در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ به بهره‌برداری رسید. بدین ترتیب سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در صنایع غذایی و تبدیلی کشاورزی در برنامه اول، در دوره اجرای برنامه دوم به بهره‌برداری رسیدند.

در اینجا ذکر نکاتی در خصوص عملکرد صنایع غذایی و تبدیلی کشاورزی در برنامه اول ضروری است. در بخش صنایع آردسازی، در سال ۱۳۶۷ ظرفیت این واحدها در مجموع ۵/۷ میلیون تن بود. در برنامه اول با تخصیص حدود ۱۹۲ میلیون دلار به این بخش، ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تن بر ظرفیت آن افزوده شد که به‌طور عمده برای جایگزینی واحدها (۷۰۰ هزار تن) و ایجاد واحدهای جدید (۲ میلیون تن) صورت گرفت.

به این ترتیب در برنامه اول ۴۷/۳ درصد بر ظرفیت واحدهای آردسازی افزوده شد که ۵۰ درصد ظرفیت جدید واحدهای آردسازی در سال‌های ۷۳ و ۷۴ به بهره‌برداری رسیدند. علاوه بر

اینها، ۵۹ فقره جواز تأسیس برای واحدهای آردسازی در سراسر کشور صادر گردید.

در بخش صنایع روغن نباتی، در برنامه اول با صرف هزینه‌ای بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار نسبت به بازسازی و توسعه واحدهای روغن نباتی اقدام شد که در نتیجه ۴۰۰ هزار تن (معادل ۸۷ درصد) به ظرفیت این واحدها افزوده شد. ظرفیت واحدهای روغن نباتی ایران در سال ۱۳۶۷ معادل ۴۶۰ هزار تن بود.

در بخش صنایع قند، در سال ۱۳۶۷ تعداد ۳۷ واحد قندسازی با ظرفیت ۵۸۰ هزار تن در سال در کشور در حال بهره‌برداری بودند. در برنامه اول با صرف هزینه‌ای حدود ۱۵۵ میلیون

دلار، ۲۶۴ هزار تن به ظرفیت مذکور افزوده شد. صنایع قند در سال ۱۳۷۲ با تولید ۸۴۴ هزار تن قند از رشدی معادل ۴۵ درصد برخوردار گردید. علاوه بر آنها در برنامه اول ۳ فقره جواز تأسیس قندسازی و ۶ واحد تولید قند مایع از شیوه خرما صادر شد.

در بخش صنایع شیر، در سال ۱۳۶۷ ظرفیت صنایع شیر ایران ۶۰۰ هزار تن در سال بود. در برنامه اول با ۷۱ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در زمینه بازسازی و نوسازی واحدهای موجود، ظرفیت تولید ۲۱۰ هزار تن (۳۵ درصد) افزایش یافت. در صنایع افشوره (کنساتره میوه)، در سال ۱۳۶۷ فقط دو کارخانه با ظرفیت ۳۰۰۰ تن در سال در ایران فعال بودند. در برنامه اول با اجرای دو طرح توسعه و احداث ۲۷ واحد جدید، کس ظرفیت صنایع افشوره‌سازی کشور به ۵۵ هزار تن رسید که از رشدی معادل ۱۷۳۳ درصد

یا ۱۷ برابر برخوردار گردید. در این برنامه ارز مصرفی برای توسعه این صنعت ۱۱۸ میلیون دلار بود.

توسعه صنایع افشوره‌سازی با هدف جلوگیری از ضایعات محصولات کشاورزی، افزایش درآمد باغداران، ایجاد اشتغال و نیز صادرات صورت گرفت.

در بخش صنایع فرآورده‌های گوشتی، تا پیش از اجرای برنامه اول، ظرفیت موجود ۱۰۸ هزار تن در سال

○ با انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید و افزایش بهره‌وری واحدهای صنایع غذایی تبدیلی، رشد تولید صنایع کنساتره میوه در برنامه اول به ۱۷۳۳ درصد، فوراگ دام و طیور به ۲۹۰ درصد، نوشابه‌های گازدار به ۱۰۰ درصد، فرآورده‌های گوشتی به ۹۴ درصد، روغن نباتی به ۸۷ درصد و قند به ۴۵ درصد رسید.

بود. به علت استقبال مردم از محصولات این صنایع، رشد آن در برنامه اول به ۹۴ درصد رسید و ظرفیت تولید آن در سال ۱۳۷۲ به ۲۱۰ هزار تن در سال بالغ شد. هزینه ارزی توسعه این صنایع در برنامه اول ۶۸ میلیون دلار بود.

در بخش صنایع نشاسته و گلوکز تا پیش از اجرای برنامه اول فقط دو کارخانه با ظرفیت حدود ۴۰ هزار تن فعال بودند. در برنامه اول با ۴/۵ میلیون دلار سرمایه‌گذاری یک واحد جدید با ظرفیت ۵۰ هزار تن در یاسوج به بهره‌برداری رسید که رشد ظرفیت این بخش را به ۲۵ درصد رساند.

در بخش صنایع شیرینی و شکلات، ظرفیت موجود در آغاز اجرای برنامه اول ۵۰۰ هزار تن در سال بود که با ۱۲۹ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در بازسازی و توسعه واحدهای مذکور، در سال ۱۳۷۲ ظرفیت آنها به ۶۲۰ هزار تن رسید که از

رشدی معادل ۲۴ درصد برخوردار شد. در صنایع نوشابه‌سازی، در برنامه اول با ۵۴ میلیون دلار سرمایه‌گذاری برای بازسازی، نوسازی و توسعه این صنایع، ظرفیت تولید از ۱۳۵۰ میلیون بطری نوشابه در سال ۶۷ به ۲۷۰۰ میلیون بطری در سال ۷۲ رسید که دو برابر شد. سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این بخش برای ایجاد واحدهای جدید اختصاص یافت و بخش اندکی نیز برای نگهداری واحدهای قدیمی صرف شد.

ظرفیت تولید صنایع پنیر در برنامه اول با احداث ۳۵ واحد جدید از حدود ۳ هزار تن در سال ۶۷ به ۹۲/۵ هزار تن در پایان برنامه رسید که رشدی

معادل ۳۰۰۰ درصد داشت.

ظرفیت صنایع ماکارونی در برنامه اول با رشدی به میزان ۲۲۸ درصد از ۷۸ هزار تن در سال ۶۷ به ۲۵۶ هزار تن در سال ۷۲ افزایش یافت.

ظرفیت صنایع نگهداری پرودتی (سردخانه‌ها) با رشدی معادل ۵۰ درصد از ۵۴۷ هزار تن در روز به بیش از ۸۰۰ هزار تن در روز بالغ شد. در همین حال ظرفیت صنایع خمیرمایه از ۲۰۰۰ تن در سال ۶۷ به ۴۵۰۰ تن در سال ۷۲ و ظرفیت فرآورده‌های سیب‌زمینی با احداث ۹ کارخانه جدید به ظرفیت ۱۸ هزار تن در سال افزایش یافت.

ظرفیت صنایع کمپوت و کنسرو نیز با رشدی حدود ۱۱۵ درصد از ۳۲۵ هزار تن در سال ۶۷ به ۷۰۰ هزار تن در سال ۷۲ رسید. در همین حال ظرفیت واحدهای پروتئین سویا از حدود ۳۰۰۰ تن در سال ۶۷ با احداث ۵ واحد جدید

به ظرفیت کل ۷۵۰۰ تن از رشدی به میزان ۱۵۰ درصد برخوردار شد.

از آنجا که صنایع غذایی تبدیلی، تأمین‌کننده بخش قابل توجهی از نیازهای مردم می‌باشد، توجه به این صنایع در دومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی همچنان وجود داشت. لزوم دستیابی به اهدافی نظیر رسیدن به خودکفایی در تولید مواد غذایی، کاهش واردات، ارتقای سطح کیفی و کمی محصولات، کسب استانداردهای ملی و جهانی، راهیابی به بازارهای خارجی و... سبب شد که سرمایه‌گذاری در این بخش تشویق گردد.

با سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این بخش، ارزش تولیدات غذایی - بهداشتی در سال ۱۳۷۸ (پایان برنامه دوم) به ۲۱۱۳۸ میلیارد ریال رسید که ۴۵۹۰ میلیارد ریال (۲۲ درصد) آن مربوط به ارزش افزوده می‌باشد. بنا بر گزارش اداره کل صنایع غذایی، دارویی و بهداشتی وزارت صنایع، تولید صنایع غذایی در سال ۷۸ به ۱۱/۶ میلیون تن به ارزش ۱۹۲۹۹ میلیارد ریال بالغ شد. میزان اشتغال در این بخش ۲۲۲۲۷۲ نفر و ارزش ناخالص افزوده جهت تولید محصولات غذایی و دارویی بالغ بر ۲۶۳/۵ میلیون دلار و ارزش تخصیص یافته برای بازسازی و نوسازی این صنایع ۵/۹ میلیون دلار بالغ شد. صرفه‌جویی ارزی ناشی از تولید صنایع غذایی و دارویی تنها در سال ۷۸ به ۶۶/۲ میلیون دلار بالغ شد.

بر اساس این گزارش، تولید روغن نباتی در برنامه دوم از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار شد و از ۷۷۵ هزار تن در سال ۷۴ به ۹۷۴/۵ هزار تن در سال ۷۸ رسید. از آنجا که روغن نباتی در ردیف محصولات غذایی اساسی مورد نیاز عموم مردم است، اجرای طرح واردات دانه و روغن‌کشی از آن‌ها تنها

موجب تأمین بهره‌برداری از ظرفیت‌های مازاد بلااستفاده کارخانجات روغن‌کشی را فراهم نمود، بلکه در سال گذشته از محل ۴۰۰ هزار تن دانه سویا وارداتی، ۷۵ هزار تن روغن خام و ۳۰۰ هزار تن کنجاله سویا استحصال گردید که با برنامه‌ریزی از سوی وزارت صنایع در مورد خرید به موقع انجام شد و در اوایل دی‌ماه ۷۸ کلیه مراحل خرید و گشایش اعتبار انجام شد و علاوه بر ۴/۳ میلیون دلار صرفه‌جویی نسبت به بودجه پیش‌بینی شده برای خرید دانه سویا، ۶/۶ میلیون دلار نیز از محل کاهش واردات روغن خام و کنجاله سویا صرفه‌جویی صورت گرفت.

به منظور استفاده از ظرفیت خالی کارخانه‌های قند و شکر و تأمین بخشی از نیاز کشور در سال گذشته، در مجموع ۴۶۰ هزار تن شکر خام از سوی وزارت بازرگانی و کارخانه‌های قند وارد شد که از آن ۴۲۳ هزار تن شکر سفید به دست آمد و صرفه‌جویی ارزی معادل ۳۱/۷ میلیون دلار از محل کسر واردات شکر سفید، عاید اقتصاد ملی شد.

بر اساس گزارش وزارت صنایع، میزان تولید قند و شکر در برنامه دوم از ثبات نسبی برخوردار شد. تولید این مواد از ۸۶۱ هزار تن در سال ۷۴ به ۶۳۸ هزار تن در سال ۷۵ تنزل یافت. اما در سال ۷۶ به ۷۸۰ هزار تن، در سال ۷۷ به ۸۲۵ هزار تن و در سال گذشته به ۸۴۳ هزار تن بالغ شد.

گزارش وزارت صنایع می‌افزاید: صرفه‌جویی ارزی ناشی از تبدیل شکر خام به شکر سفید، استحصال دانه‌های روغنی سویا و تخفیف‌های اخذ شده با روش‌های مختلف خرید انبوه و... در مجموع به حدود ۶۶/۲ میلیون دلار رسید.

با توجه به لزوم فراهم آوردن شرایط جهت حضور در بازارهای جهانی، با

تلاش مدیران و کارکنان صنایع غذایی تبدیلی، در سال گذشته ۳۱ واحد موفق به اخذ گواهینامه ایزو ۹۰۰۰ شدند.

آمارهای منتشره از سوی وزارت صنایع حاکی است، تولید صنایع شیرینی و شکلات از ۳۱۵/۹ هزار تن در سال ۷۴ به ۴۵۳ هزار تن در سال ۷۵ افزایش یافت. اما در سال ۷۶ به ۴۰۲ هزار تن کاهش پیدا کرد، لیکن در سال ۷۷ به ۴۶۶ هزار تن و در سال ۷۸ به ۴۸۲ هزار تن ترقی کرد.

تولید صنایع کمپوت و کنسرو در دومین برنامه توسعه اقتصادی کشور سیر صعودی داشت و از ۴۶۴ هزار تن در سال ۷۴ به ۵۷۰ هزار تن در سال ۷۸ رسید. تولید کارخانه‌های آردسازی نیز در همین مدت سیر صعودی داشت و از ۷/۵ میلیون تن به ۸/۵ میلیون تن بالغ شد.

تولید صنایع فرآورده‌های گوشتی، نوسان داشت و از ۵۵ هزار تن در سال ۷۴ به ۶۸ هزار تن در سال ۷۵ افزایش یافت، اما در سال ۷۶ به ۶۰ هزار تن تنزل پیدا کرد. سپس در سال ۷۷ به اوج میزان خود یعنی ۱۱۰ هزار تن رسید و پس از آن در سال ۷۸ به ۷۲/۵ هزار تن تنزل یافت.

تولید صنایع شیر و لبنیات نیز با نوساناتی روبه‌رو شد و از ۶۰۱ هزار تن در سال ۷۴ به ۶۹۹ هزار تن در سال ۷۵ و سپس ۷۹۵ هزار تن در سال ۷۶ افزایش یافت، اما در سال ۷۷ به ۷۶۲ هزار تن تنزل یافت و در سال گذشته به ۷۹۰ هزار تن بالغ شد. بر اساس گزارش وزارت صنایع، تولید صنایع نوشابه‌سازی نیز در سال ۷۸ (پایان برنامه دوم) به ۱۳۵۰/۳ میلیون لیتر رسید که نسبت به سال ۷۷ به میزان ۲/۷ درصد کاهش داشت. این تولید در مقایسه با برنامه پیش‌بینی شده (حدود ۱۸۰۷/۸ میلیون لیتر) ۲۵/۲ درصد کمتر بود.

ظرفیت تولید صنایع نوشابه‌سازی در پایان برنامه دوم ۱۹۹۲ میلیون لیتر بود و از این رو فقط ۸۵/۲ درصد ظرفیت کارخانه‌های مذکور مورد استفاده قرار گرفت.

ارزبری این محصول ۱۰۰ دلار برای هر ۱۰۰۰۰ جعبه نوشابه می‌باشد و برای کاهش میزان ارزبری آن، اقدامات اساسی برای ساخت عصاره نوشابه در کشور انجام شده است.

۲۰۴ واحد صنعتی با ظرفیت یک میلیون و ۸۵۰ هزار تن در این

بخش فعال می‌باشند. با وجود آنکه تولید شیر و لبنیات در سال پایانی برنامه دوم (حدود ۷۹۰ هزار تن) نسبت به برنامه پیش‌بینی شده ۲/۸ درصد و نسبت به تولید سال ۷۷ به میزان ۳/۶ درصد افزایش داشت، اما میزان بهره‌گیری از ظرفیت این واحدها در حد ظرفیت اسمی نبوده است. رقم ثبت شده برای تولید سال ۷۸ بنا به توضیح اداره تولید و بهره‌برداری صنایع غذایی، دارویی و بهداشتی وزارت صنایع مربوط به واحدهایی است که مجموع ظرفیت اسمی آنها یک میلیون و ۱۱۰ هزار تن است و آمار عملکرد خود را اعلام کرده‌اند.

به عقیده کارشناسان صنایع، مشکل عمده صنایع شیر و لبنیات، تعدد مراکز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در این زمینه می‌باشد که به عدم بهره‌برداری مناسب از تمام ظرفیت‌های موجود منجر شده است.

در همین حال خشکسالی و افزایش قیمت علوفه و کاهش شیر دام‌ها و کشتار بیشتر آنها، موجب شد که میزان عرضه شیر خام به صنایع و فرآوری شیر و لبنیات کاهش و قیمت شیرخام افزایش یابد. افزایش قیمت شیر خام نیز از

دلایل خرید محدودتر کارخانه‌ها در سال گذشته بوده است.

کارشناسان عقیده دارند که صنایع شیر و لبنیات هنوز به سرمایه‌گذاری بیشتر برای توسعه صنایع جنبی (تولید شیر خشک کودک) نیاز دارند. ایجاد و رشد این‌گونه صنایع صرفه‌جویی ارزی قابل ملاحظه‌ای برای اقتصاد ملی به ارمغان خواهد آورد.

گزارش وزارت صنایع حاکی است،

### ○ تولید صنایع غذایی در سال ۱۳۷۸ به ۱۱/۴ میلیون تن به ارزش ۱۹۲۹۹ میلیارد ریال رسید.

میزان بهره‌برداری از ظرفیت اسمی صنایع روغن‌نباتی در پایان برنامه دوم (سال ۱۳۷۸) به ۷۰ درصد، قند و شکر به ۸۰ درصد، شیر و لبنیات به ۶۹ درصد، شیرینی و شکلات به ۵۸/۲ درصد، کمپوت و کنسرو و کنسراتره به ۷۵/۸ درصد، فرآورده‌های گوشتی به ۱۹ درصد، نوشابه به ۶۸ درصد، آرد به ۶۷/۲ درصد و دخانیات به ۶۴ درصد رسید. به عبارت دیگر با تأمین مواد اولیه موردنیاز این واحدها و رفع برخی موانع و تنگنانهایی که با آنها دست به گریبان هستند، بدون افزایش سرمایه‌گذاری جدید در این صنایع می‌توان سطح تولید و صادرات آنها را به سرعت بالا برد.

بر اساس گزارش وزارت صنایع، تنها در سال ۱۳۷۸ رقمی نزدیک به ۳۲/۵ میلیون دلار برای بازسازی و نوسازی و تکمیل خطوط تولید واحدهای صنایع غذایی صرف شد که از این مبلغ ۵/۹ میلیون دلار از محل ارز تخصیصی به وزارت صنایع به صنایع روغن‌نباتی، قند و شکر و شوینده‌ها اختصاص یافت.

میزان تقاضای صنایع غذایی تبدیلی برای دریسافت ارز جهت تأمین ماشین‌آلات و قطعات کارخانه‌ها از سوی واحدهای فرآورده‌های گوشتی ۱۷۷ هزار

دلار، خوراک دام ۹۰ هزار دلار، روغن نباتی ۲/۹ میلیون دلار، شیرینی و شکلات ۴۵۶ هزار دلار، آرد ۶/۱۸ میلیون دلار، آبمیوه و کنسراتره ۱/۱ میلیون دلار، شیر و لبنیات ۱/۴۴۲ میلیون دلار، نوشابه یک میلیون دلار، قند و شکر ۱۴ میلیون دلار، دخانیات ۴۰۰ هزار دلار و ماکارونی ۵۳۶ هزار دلار بود.

کارشناسان عقیده دارند که توسعه

صنایع غذایی و تبدیلی کشاورزی نه تنها به تأمین نیازهای غذایی

مردم کمک می‌کند، بلکه رشد این بخش از صنایع با توجه به قابلیت رقابت‌پذیری محصولات تولیدی آنها در بازارهای جهانی، حایز اهمیت است.

آنها عقیده دارند که مشکلات و تنگناهای موجود در بخش تولید و بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود و رشد و توسعه خطوط تولید، چندان دشوار نیست و می‌توان با تزریق منابع ریالی و ارزی محدودی به صنایع مذکور، زمینه گسترش آن، ارزش افزوده بالاتر در تولید ناخالص ملی و رشد صادرات این بخش را فراهم ساخت.

انتظار می‌رود که در برنامه سوم نه تنها در زمینه بهره‌گیری مطلوب از ظرفیت‌های موجود، بلکه برای توسعه صنایع غذایی و تبدیلی کشاورزی با حمایت دولت، نظام بانکی و سرمایه‌گذاران خصوصی گشایشی حاصل شود.

